

گفت و گو با علی عبدی کارشناس حوزه اسرائیل:

اسرائیل به کابوس زمان یحیی عیاش برگشته است



چهار عملیات استشهادهای در طول کمتر از ۲۰ روز در نقاط مختلف سرزمین‌های اشغالی، یکی از وحشتناک‌ترین روزها را برای صهیونیست‌ها رقم زد؛ وحشتی که شاید آخرین بار نمونه آن را سه دهه قبل تجربه کرده بودند؛ روزگاری که لشکر استشهادهای در گروه‌های مقاومت فلسطین یک به یک هر نقطه از سرزمین‌های تحت سیطره اسرائیل را هدف قرار می‌دادند و بعد از شهادت فرمانده و طراح بزرگ این عملیات‌ها یعنی شهید مهندس یحیی عیاش، آتش خشم مبارزان فلسطینی فروکش نکرد و دروازه‌های جدیدی را روی اشغالگران گشود. این چهار عملیات اخیر که مجریان آن برخلاف عملیات‌های سال‌های قبل به جای استفاده از مواد منفجره از اسلحه و چاقو بهره بردند، چنان توازن و وحشتی ایجاد کرد که نفتالی بنت نخست‌وزیر اسرائیل از همه شهروندان خواست تا مسلح شوند. برای بررسی وضعیت این روزهای فلسطین و آنچه پیش از ماه رمضان شکل گرفت و هنوز در سرزمین‌های اشغالی بخصوص بیت‌المقدس ادامه دارد، با علی عبدی کارشناس منطقه و متخصص در حوزه اسرائیل گفت‌وگو کردیم که متن کامل آن را در ادامه می‌خوانید:

اما آنچه منتقل شد استیصال و آشفتگی اسرائیلی‌ها بود. چند روز بعد از این عملیات، رئیس شتابک، رئیس پلیس و رئیس ستاد ارتش همزمان رسانه‌های اسرائیلی را مورد انتقاد قرار دادند و گفتند ما جنگ را هم در میدان باختیم و هم در رسانه.

بحران‌هایی مثل عملیات چهارگانه اخیر از مرحله تنش شروع شده و سپس به مرحله تشنج کشیده شده و بعد از آن وارد فاز بحران می‌شود.

تنش چیزی مانند حادثه‌های تروریستی و خرابکاری‌هاست، وقتی موضوع فراگیرتر شود و به مرحله شورش و اغتشاش کشیده شود، دچار تشنج خواهد شد اما وقتی وارد مرحله‌ای مانند کودتا یا انقلاب شود به آن بحران می‌گویند.

■ یک سال قبل ما نبرد «سیف القدس» را داشتیم که در کنار غافلگیری‌های زیادی که در میدان برای صهیونیست‌ها ایجاد کرد، یک ویژگی راهبردی هم داشت و آن اتحاد و نزدیکی زیاد بین فلسطینی‌های ساکن در غزه، کرانه باختری و سرزمین‌های ۱۹۴۸ بود. این به نظرم نکته مهمی است. چطور این مناطق به هم پیوند خوردند؟

سال گذشته ماجرای محله شیخ جراح نقطه اوج این حوادث بود. قبل از آن هم البته یک گروه صهیونیستی تندرو به سرکردگی یک خاخام افراطی به نام «یهودا گلیک» با حمایت گارد مرزی اسرائیل، دست به اقدامات تحریک‌آمیز علیه مسلمانان زده بودند.

آنها می‌خواستند ۲۷ خانواده مسلمان را از محله شیخ جراح بیرون کنند. این حوادث و پیوند خوردن آن با تحریکات صهیونیست‌ها در مسجد الاقصی، موجب درگیری شدید در صحن مسجد شد.

یک نکته جالب در همان مقطع این بود که ساکنان فلسطینی کرانه باختری، از «محمد ضیف» کمک خواستند.

■ فرمانده شاخه نظامی حماس و از دوستان نزدیک یحیی عیاش.

بله. محمد ضیف در واقع وارث آن چیزی است که از یحیی عیاش و صلاح شحاده در گردان‌های شهید عزالدین قسام (شاخه نظامی حماس) به ارث مانده و الان در صدر لیست افراد تحت تعقیب اسرائیل قرار دارد.

نبردی که ضیف آغاز کرد و به نبرد «سیف القدس» (شمشیر قدس) مشهور شد، چند ویژگی مهم داشت.

این جنگ، اولین نبردی بود که با اولتیماتوم فلسطینی‌ها شروع شد و با اولتیماتوم آنها هم به پایان رسید.

محمد ضیف بعد از درخواست کمک ساکنان کرانه باختری، به صهیونیست‌ها اعلام کرد اگر تا ساعت ۶ عصر آن روز به تحرکاتشان در مسجد الاقصی و محله شیخ جراح پایان ندهند، حماس موشکباران را شروع خواهد کرد. البته صهیونیست‌ها شاید فکرش را هم نمی‌کردند که این هشدار ضیف چقدر جدی است.

■ ضیف بعد از شهادت یحیی عیاش هم اعلام کرد که دروازه‌های جهنم به روی صهیونیست‌ها باز شده و بلافاصله هم عملیات‌های انتقامی خودش را آغاز کرد و نشان داد تهدیداتش را عملی می‌کند.

به هر حال صهیونیست‌ها به دلیل آن روحیه تکبر و تفرعنی که دارند شاید جدی نگرفتند. به این ترتیب موشک‌باران مناطق صهیونیستی شروع شد و حماس نشان داد که طرح از پیش آماده شده‌ای برای چنین نبردی داشته است.

یگان‌های ویژه‌ای مثل «یاماس» و «یامام» دارند که دقیقاً برای چنین زمانی تعریف شده‌اند. اینکه قبل از فراخواندن آنها، نخبه‌ترین نیروهای عملیات ویژه فراخوان می‌شود، یعنی به شدت ترسیده‌اند و دست و پایشان را گم کرده‌اند. واحدهای ویژه پلیس و گارد مرزی برای موقعیت‌های تنش، یگان‌های ویژه ارتش برای موقعیت‌های تشنج و یگان سایبر متکال که مستقیم زیر نظر رئیس ستاد کل است برای موقعیت‌های بحران و عمدتاً عملیات‌های برون مرزی تعریف شده‌اند.

عملیات خیابان دیزنکوف نهایتاً یک موقعیت تنش بود، اما سیستم امنیتی اسرائیل یگان مخصوص برای موقعیت بحران را فراخواند که این به معنای میزان کیجی و ترس شدید و دستپاچگی این سیستم در این موقعیت بود و نشان می‌داد این سیستم مدیریت بحران چقدر ضعیف است و چقدر اعتماد به نفس پایینی دارد.

این ۴ عملیات یک رویکرد دیگر هم داشت و آن اینکه مقاومت فلسطینی راهبرد «مرگ از راه هزاران گلوله» علیه آنها تبدیل کرده است.

مغز متفکری که در پس این سلسله عملیات‌ها قرار دارد - هر که باشد - من را یاد شهید بزرگوار یحیی عیاش فرمانده و طراح بزرگ عملیات‌های استشهادهای ضد صهیونیستی در دهه ۹۰ میلادی می‌اندازد که طی ۵-۴ سال تا زمان شهادتش در ژانویه ۹۶، عملاً جو بزرگی از وحشت را برای جامعه صهیونیستی ایجاد کرد و موازنه وحشتی برای آنها برقرار کرد که هنوز از یادشان نرفته است. به نظرم می‌رسد داریم به همان دوران برمی‌گردیم.

■ چقدر این احتمال وجود دارد که این سلسله عملیات‌ها به یک انتفاضه جدید ختم شود؟ با توجه به اینکه با اتفاقات این روزهای مسجد الاقصی، به نظرم می‌رسد شرایط برای شکل‌گیری یک انتفاضه جدید و با شکل و شمایل متفاوت از قبل دور از ذهن نباشد.

ترس صهیونیست‌ها هم از همین است که این سلسله عملیات‌ها منجر به یک انتفاضه گسترده و فراگیر در غزه و کرانه باختری و حتی در بیت‌المقدس و سرزمین‌های ۱۹۴۸ شود. دولت اسرائیل همه تلاش‌اش را می‌کند تا این اتفاق رخ ندهد.

باز هم تکرار می‌کنم که عملیات استشهادهای آخر (عملیات شهید رعد فتجی) از لحاظ اثرگذاری روانی و سیاسی بسیار مهم بود.

■ شما میزان دستپاچگی و آشفتگی صهیونیست‌ها را دیدید.

نکته دیگر ماجرا این بود که همه تصاویر این عملیات و اتفاقات بعدش تا زمان به شهادت رساندن مجری عملیات، به صورت زنده از شبکه‌های تلویزیونی و در فضای مجازی پخش می‌شد و با اینکه اداره سانسور وزارت جنگ این رژیم حساسیت زیادی روی جلوگیری از انتشار جزئیات و چهره افراد دارد، نتوانست کاری کند و بسیاری از نیروهایشان به اصطلاح سوختند.

■ همین فضای رسانه‌ای که در این عملیات‌ها دیده شد، خودش یک اتفاق جدید بود. حجم بالایی از اعتراضات ساکنان سرزمین‌های اشغالی هم شاید ناشی از همین مسأله باشد که امنیت روانی آنها را به هم زد.

ضربه بزرگتر همین بود. صهیونیست‌ها عرصه رسانه را کاملاً به طرف مقابل باختند. مردم در تلویزیون دیدند که نیروهای امنیتی رژیم با تمام تجهیزات و با تمام قوا در صحنه هستند و رسانه‌ها هم این را پخش می‌کردند